



بسم الله الرحمن الرحيم

بیانیه اساسی کنگره ی حزب واحد

مورخ 24 قوس 1390 مطابق 15 دسامبر 2011 میلادی

خواهران و برادران گرانقدر، جوانان عزیز، نمایندگان پر افتخار احزاب سیاسی و سازمان های اجتماعی و جامعه مدنی، مهمانان عزیز و نمایندگان با وقار منتخب شوراها و سازمان های حزبی!

برای من جای مسرت است که امروز باز هم زمینه مساعد شد و ما توانستیم یک بار دیگر گرد هم جمع شویم. اجازه بدهید به اغتنام از فرصت حضور یک یک شما را در این گرد همایی بزرگ تاریخی از صمیم قلب خیر مقدم بگویم و از مهمانان عالیقدر که دعوت ما را پذیرفتند و با وجود مصروفیت ها، با قبول زحمت در این اجلاس بزرگ حضور بهم رسانیدند اظهار امتنان نمایم. من در حالی که در میان شما دوستان از یک طرف احساس خوشی می نمایم از جانب دیگر از نبود آنده رفقای مبارز در جمع ما که جانهای شیرین شانرا درطول سالیان گذشته از دست داده اند متالم هستم. به این مناسبت از شما دوستان خواهش می کنم به احترام و یادبود ایشان و قربانیان اخیر زیارت ابوالفضل واقع مراد خانی در روز سوگواری عاشورا یک لحظه سکوت نمایند.

دوستان عزیز!

کنگره ی حاضر حزب ما در حالی تدویر می یابد که از یک سو کشور های بزرگ جهان و همسایگان نامهربان افغانستان، هر کدام در کشور ما اهداف مشخص آزمندانه ی خود را دنبال کرده و بازی های جداگانه ی را به پیش می برند که بالاینتر آن غم ها و آلام وطن و هموطنان ما با گذشت هر روز بزرگتر می گردد. بحران کشور ما پر دامنه تر و پیچیده تر می شود و کلافه ی آن مثل همیشه سر در گم. و از سوی دیگر دولت افغانستان در حالیکه ظاهراً شعار دموکراسی می دهد، به نقش احزاب سیاسی- این مؤلفه ی اساسی دموکراسی - در ساختار دولت و قدرت در عمل کمترین اعتنا به خرج نداده و حتا با افتخار از غیر حزبی بودن حکومت حرف می زند. در چنین حالت بحران اندر بحران، ما به شناخت

اوضاع کشور و باز شناسی خود ضرورت مبرم داریم، زیرا تا خود را منحیث یک موقف نشناخته باشیم نمی توانیم به پرسش هایی چه باید کرد؟ و چه می توان کرد؟ پاسخ های درست ارائه کنیم.

کنگره ی تاریخی حزب ما همچنان در لحظاتی برگزار می گردد که بخشهایی از شرق میانه و شمال افریقا تحولات و تغییرات شگفت انگیز را از سر می گذرانند و قیام های خلق های بعضی از کشورهای عربی در ماه های اخیر دست آورد های سیاسی دیپلماتیک و ایدیولوژیک منطقه را برهم زده که مسلماً برای ما خالی از دلچسپی نبوده و خیلی آموزنده به شمار می آید.

می خواهم به عرض برسانم که این اجلاس بزرگ که برای تدویر آن زمان طولانی صرف شده است و هزاران چشم و گوش منتظر نشسته و دقیقه شماری نموده اند، جایگاه رفیع و با اهمیتی در تاریخ مبارزات ترقی خواهانه و دادخواهانه ی مردم ما احراز نموده و واقعاً به یک نقطه ی عطف تبدیل شود.

دوستان عزیز!

تاریخ بشریت مشحون از جنگ ها و خشونت ها، بخصوص منازعات و رقابت های سیاسی بر سر قبضه ی منافع، قدرت و ثروت بوده است؛ در میان این حوادث تاریخی جنگ جهانی دوم و شکست فاشیزم که نوعی دنیا نگری تازه یی با خود همراه داشت، این رقابت ها را عمیق تر و ریشه یی تر کرد. ایجاد اردوگاه سوسیالیزم با تلاش های پیگیر آن برای بهبود سطح زندگی خلقها، تأمین و گسترش حقوق و آزادی ملتها، تأمین عدالت اجتماعی که از دست آوردهای آن به شمار می رود، اثرات خود را بر جنبش های تحول طلب جهان، منجمله جنبش های کشور ما نیز گذاشته است.

حزب وطن (حزب دموکراتیک خلق افغانستان) که ریشه ی مبارزاتی اش به مشروطه خواهان اول بر می گردد، در راستای همین دنیانگری، به موضع روشن متضمن مبارزات طبقاتی، بادر نظر داشت زمینه ها و مقتضیات زمانی و استفاده از چهار چوب آزادی های مطروحه در قانون اساسی سال 1343 هجری شمسی در عرصه ی سیاسی کشور تبارز کرد و در مطابقت با اصول مرامی و وظایف برناموی اش، در ضدیت با همه اشکال تبعیض، در راستای تساوی حقوق زن و مرد، محو فقر و عقب ماندگی، با راهبرد مشخص، به هدف ایجاد حکومت دموکراتیک ملی در کشور، از طریق تأسیس و بنیانگذاری جبهه ی وسیع ملی، با اشتراک تمام نیروهای ملی، دموکراتیک و تحول طلب مبارزه نمود.

حزب توانست با مساعی و مبارزات پیگیر روشنگرانه و عادلانه در مقابل چالش ها و موانع صعب العبور، با گذشت مدت سیزده (13) سال به قدرت سیاسی در کشور دست یابد. اما با تأسف قبل از آنکه به تطبیق برنامه های اصلاحی کامل خود توفیق حاصل نماید، رقابت های نا سالم سیاسی درون حزبی، و مداخلات بالانقطاع خارجی ها که ما همه شاهد آن هستیم حزب را در مسیر یک جنگ نهایت فرسایشی کشاند، تا اینکه سر انجام باعث سقوط حاکمیت حزب و انتقال قدرت به مجاهدین شد.

اینکه بعد از انتقال قدرت وضعیت چگونه انکشاف نمود و تا اکنون چطور ادامه می یابد بهتر است آن را به قضاوت تاریخ و نسل های آینده گذاشت.

مه‌مان گرانقدر !

اینک از سقوط حاکمیت حزب وطن نوزده (19) سال سپری گردید. در نه (9) سال نخست این فاصله زمانی که حالت انحطاط سیاسی- اجتماعی و فرهنگی بر کشور و مردم رنج‌دیده ما مسلط بود، تمام مردم افغانستان بخصوص فعالان سیاسی سابق، شخصیت‌های مستقل ملی دموکرات و روشنفکران کشور ما بیشترین تلاش‌ها را نمودند که برای نجات کشور از بحران، نیروهای ترقی‌خواه و مؤثر را دور هم بسیج سازند. در این میان اعضای سابق حزب وطن در داخل و خارج کشور بیشترین تلاش‌ها را به خرج دادند که حاصل آن تشکیل تعداد بی‌شمار سازمان‌ها، احزاب و حلقه‌های سیاسی- فرهنگی است که در داخل و خارج کشور پا به عرصه‌ی وجود گذاشتند.

در اینجا به جا می‌دانم به پیشگاه آنانی که با پایداری و متانت کامل طیف وسیع ترقی‌خواهان و عناصر ملی را به گرد اهداف دادخواهانه و مترقی به سود توده‌های ملیونی کشور ما بسیج نمودند، سر احترام فرود آوریم.

حزب متحد ملی افغانستان به مثابه‌ی نخستین نیروی محرکه‌ی سیاسی برای اولین بار پس از سال 1371، سکوت مدهش سیاسی را در 28 اسد سال 1382 در کشور شکستاند و متکی به جهات دموکراتیک قانون اساسی سال 1343 اعلام موجودیت نموده، راه را برای ایجاد پی‌در پی تشکل‌های دیگر سیاسی در کشور هموار ساخت، بیشترین مساعی را در داخل و خارج کشور در راه یک‌جا سازی احزاب سیاسی دارای اهداف واحد بخرج داده که مثال‌های برجسته آن وحدت دو حزب برادر- حزب متحد ملی و نهضت فراگیر دموکراسی و ترقی افغانستان، وحدت و ادغام حزب سعادت مردم افغانستان به رهبری محترم زبیر پیروز با حزب متحد ملی و امضای سند تفاهم‌نامه بین حزب متحد ملی و حزب تفاهم و دموکراسی افغانستان می‌باشد.

امروز خوشبختانه زمینه امضاء یک پلتفورم مشترک با یک تعداد احزاب دیموکرات و تحول طلب فراهم گردید و در راه ایجاد یک ساختار واحد کارجریان دارد.

دوستان گرامی!

موفقیت ما بر سه اصل استوار است:

- 1- تجربه‌ی دیروز.
- 2- استفاده از امروز.
- 3- ترس از فردا (قضاوت مردم و تاریخ)

تجارب گرانبهای کشور ما در چهار دهه‌ی گذشته به تمام فعالین سیاسی، حلقه‌های مختلف سیاسی از چپ و راست، روشنفکران مترقی و شخصیت‌های مستقل دموکرات این درس بزرگ را آموخته است که هیچ سازمانی نمی‌تواند بدون در نظر داشت خواست‌ها و شرایط عینی جامعه، سنن و عادات پسندیده مردم

گامی به جلو بردارد؛ زیرا این مردم اند که کشور ها را می سازند و سازمانها فقط نقش رهبری کننده ی آن را دارند.

بدهی است که وقتی یک ملت با طرح و یا برنامه ی یک دولت و یا یک حزب موافقه نداشته باشد، آن دولت و آن حزب عمر کوتاه خواهد داشت. به این سبب حزب ما مساعی فراوان به خرچ داده تا افزون بر بوجود آوردن کمیت بزرگ، کیفیت تازه ی از لحاظ فکری و اندیشه وی را به مردم پیشکش نماید تا مردم، بخصوص زنان و جوانان کشور خود را در حزب و فعالیت های آن در یابند و داوطلبانه به آن بپیوندند.

حزب واحد اکنون در 32 ولایت کشور شوراهای حزبی ولایتی، در 214 ولسوالی، 53 نواحی کشور با داشتن 631 سازمان محل زیست فعالیت سیاسی خویش را به پیش می برد.

مسرت داریم که در جنب تمام شوراهای حزبی ولایات، بنیاد جوانان تشکیل گردیده که جوانان با احساس و با اندیشه در بنیاد جوانان تنظیم شده اند.

حزب واحد همچنانکه به نقش احزاب سیاسی در ساختار دولت و قدرت اصرار می ورزد، برخورد غیر مسؤلانه ی حکومت و دولتمداران را در برابر قشر جوان و زنان کشور نکوهش نموده و برای ارتقای نقش شان به صورت جدی مبارزه می نماید. ما توجه بیشتر مسؤلین بخش جوانان وزارت محترم اطلاعات و فرهنگ را هم در مورد تربیه و رشد فکری جوانان و نوجوانان می خواهیم.

دوستان گرانقدر!

زنان که نیمی از پیکر جامعه ی ما را تشکیل می دهند، در کشور ما آسیب پذیرترین قشر جامعه هستند. حزب ما در حالیکه مبارزه در راه تأمین حقوق و آزادی ها، پرورش روحی و ذهنی زنان و رفع خشونت علیه آنان را از وظایف اساسی و عمده ی خود می داند، توجه جدی به امر بسیج و تشکل زنان و سهم گیری فعال آنان در راه به دست آوردن آزادی های سیاسی و حقوق طبیعی شان مبذول میدارد، بنابراین به تمام شوراهای حزبی دستور داده می شود که به دست آوردن های فعلی در این راستا بسنده نکرده و رشد کمی و کیفی صفوف حزب را از طریق تشدید جلب و جذب زنان در صدر کار حزبی و سیاسی خویش قرار داده برای تأمین حقوق و آزادی های زنان سعی بلیغ بخرچ دهند.

دوستان عزیز!

حزب با وجود دشواری های اقتصادی از بدو تأسیس به منظور اشاعه و پخش سیاست جاری حزب و موضع گیری حزب در قبال مسایل داغ روز در سطح ملی، منطقوی و جهانی امتیاز نشر جریده ی "راه افغان" و "راه نهضت" در داخل کشور، سایت های انترنتی وطن و بامداد، سایت انترنتی افغان شمله. جریده افغانستان، نشریه ی میهن و نشریه استقلال را در خارج از کشور حفظ نماید. مسؤلین نشرات داخلی و برون مرزی حزب در راه انجام وظایف تبلیغی و ترویج سیاست حزب به طور خستگی

ناپذیر تلاش ورزیده اند؛ اما تلاش های مسئولین ارگانهای نشراتی برون مرزی به مراتب بیشتر بوده و قابل ستایش است.

آروزمندم کار تبلیغی و فرهنگی و اطلاع رسانی ما به یک سیستم دائماً فعال ارتقا یافته و در میان ارگان های فرهنگی شوراهای حزبی داخلی و خارجی هرچه بیشتر تقویت گردد. من در این راستا سهمگیری فعال جوانان را تقاضا می نمایم.

حاضرین محترم!

با وصف آنکه فیصله های کنفرانس اول بن در راستای حل معضلات افغانستان صراحت کامل داشته و با وجود اینکه با سقوط حاکمیت طالبان، کشور از سقوط نهایی در گرداب قرون وستایی به کمک جامعه ی جهانی نجات پیدا کرد، ولی بد بختانه بنابر کوتاهی جامعه ی جهانی در ایجاد یک اداره ی سالم متکی بر قانون و خدمت گزار مردم، نظام دولتی افغانستان در همه ی عرصه ها به بحران های عمیق تر فرو می رود و از تشکیل اداره ی مؤقت تا دوره ی دوم حکومت انتخابی دامنه ی بحران کشور گسترده تر می شود. وضعیت حاکم و بحرانی با واقعیت های موجود، یعنی بیدادگری، فساد گسترده ی اداری و اجتماعی، فقر و بیکاری، بی عدالتی و قانون گریزی، نا رضایتی نخبگان و روشنفکران، تمرکز قدرت در وجود یک دایره ی محدود اشخاص معلوم الحال، به وجود آمدن شکاف عمیق و فزاینده بین مردم و دستگاه دولتی، اوج گیری نا رضایتی های ملت از دولت، بی تفاوتی های مسئولین بلند پایه ی دولتی در برابر بی عدالتی ها عدم توانایی دولت در جلوگیری از جرایم و جنایات سازمان یافته و عدم موجودیت اشخاص متعهد در رأس پُست های مهم دولتی، کمرنگ بودن نقش احزاب سیاسی در دستگاه دولت به هیچ وجه تصویر بقای نظام و فردای روشن را در معرض دید مردم قرار نمی دهد. گذشته از آن می بینیم که دامنه ی جنگ و خونریزی در کشور وسعت پیدا کرده، شیرازه ی همبستگی مردم و وحدت ملی خدشه دار شده، امنیت کشور به چالش افتاده، قدرت و حاکمیت دولت مرکزی در اطراف و برخی ولایات تضعیف گردیده، حکومت مرکزی کنترل خود را بر امور از دست داده و با وجود حضور گسترده ی نظامی جامعه ی جهانی بنابر نداشتن سیاست مثبت و روشن در قبال جنگ افروزان و توطئه گران داخلی و خارجی اعتبار خود را از دست داده و بنابر تعقیب پالیسی کجدار و مریز در برابر مداخلات همسایگان خاموشی اختیار نموده است.

به عقیده ی ما نابخشودنی خواهد بود اگر از مشاهده ی این همه نابسامانی ها و کاستی ها که دست آوردهای نیم بند و شکننده را که با خون بهای هزاران انسان حاصل آمده به باد فنا سپرده، با بی تفاوتی و بی دقتی عبور کرد.

حزب واحد بنابر درک رسالت خویش در مقطع حساس زمانی که وطن و منافع ملی ما به خطر مواجه است، با رجوع به خرد جمعی موضع گیری خود را در قبال قضایای کشور چنین اعلام می دارد:

در عرصه ی تأمین ثبات و حفظ امنیت:

به باور ما به تناسب امکانات و مساعدت های اقتصادی و سهمگیری های جامعه ی جهانی در ارتقای سطح تعلیم و تربیه ی قوای مسلح کشور، انجام عملیات های نظامی قوت های ایساف و ائتلاف بین المللی علیه مخالفین مسلح دولت و همچنان اكمال نسبی قوای مسلح کشور از لحاظ قوای انسانی، اسلحه و تجهیزات نظامی، وضع امنیتی کشور امروز می توانست بهتر از دیروز باشد اما با تأسف که بنابر نبود اداره ی سالم، عدم هماهنگی بین قوای امنیتی کشور و نبود کوردیناسیون در میان قوت های ایساف و افغانستان، عدم پلانگذاری دقیق فعالیت های مشترک و مستقل محاروبی، بی اعتنایی به حفظ محرمانیت نظامی و مهمتر از همه نبود استراتژی دقیق تدافعی، وضع امنیتی روز به روز بدتر شده می رود و از اعتماد مردم نسبت به قوای مسلح شان کاسته می شود.

برای بهبود وضع امنیتی و تأمین ثبات درکشور، باید دولت به ایجاد مدیریت سالم در ارگان های دفاعی توجه جدی مبذول داشته و در توظیف افراد شایسته، کاردان، متعهد، دارای تحصیلات عالی نظامی مهارت ها و تجارب کامل کاری در رأس بخشهای امنیتی توجه جدی به خرج بدهد.

طوری که دیده می شود مؤظفین دست اول امنیتی کشور اکثراً فاقد تحصیلات مکمل مسلکی و تجربه کافی کاری بوده در انتخاب شان به جای اصل شایسته سالاری، تعلقات و شناخت های شخصی مد نظر گرفته شده و حتا بر بنیاد رشوه ستانی و تعیین سر قفلی معین پُست ها و چوکی های دولتی در اختیار رجال مشخص سپرده می شود.

جای بسا تعجب این جا است که دولت در ظرف ده سال نتوانسته است روحیه قانون پذیری، احساس وطن دوستی و اصل زرین همکاری و مساعی مشترک منسوبان اردوی ملی، پولیس و امنیت ملی را که در چوکات وزارت های دفاع، داخله ریاست عمومی امنیت ملی تنظیم اند، ایجاد نماید و هراز گاهی دیده می شود که بین این نیروها جنگ و خونریزی، قتل و قتال حتا در شهر کابل به وقوع می پیوندد. اما دولت بنابر عدم بی برنامه گی به تأسیس ملیشه و پولیس محلی - آن هم در محلاتی که اصلاً در آن جا ها حاکمیت و نفوذ دولتی یا هیچ وجود ندارد و یا هم به مراتب کمرنگ است اقدام مینماید، که از نظر ما چنین اقدام عجولانه منجر به مسلح ساختن همان چهره های مسلح غیر مسؤل می شود که با صرف میلیون ها دالر کمک های خارجی غیر مسلح(DDR) شده بودند. این اقدام واقعاً برای کشور زیان بار است.

موضوع دیگری که امنیت کشور ما را به چالش کشانیده است مداخلات بی شرمانه پنهان و آشکار دولت های همسایه ما در امور داخلی ماست. حکومت اسلامی پاکستان در قبال کشور ما نه تنها سیاست شفاف و صادقانه ندارد بلکه در این اواخر پا را از گلیم خویش فراتر گذاشته مناطق شرقی افغانستان را مستقیماً تحت حملات آتش سلاح های دور منزل که از داخل خاک آن پرتاب می گردد، قرار می دهد.

دولت اسلامی ایران بر علاوه اینکه باند گروه های تخریبکار را برای انجام تخریبکاری مسلح می سازد، اخیراً در مناطق سرحدی ولایات فراه و نیمروز دست به تجاوزات مسلحانه زده و اصول

همزیستی و همجواری را نقض می نماید. در چنین حالات حکومت افغانستان به جای این که در قبال این تجاوز همسایگان موقف روشن داشته باشد سیاست گنگ را اختیار کرده و یا مدارا می کند.

از نظر حزب ما ایجاب می کند که اولاً در چنین حالات دولت خود به طرق مختلف متوسل گردیده جلو مداخلات را در کشور بگیرد و ثانیاً روشنفکران مستقل، احزاب سیاسی، نهاد های مدنی، روحانیون و تمام مردم کشور برای مهار نمودن مداخلات و خنثی نمودن توطئه های همسایگان در یک صف واحد قرار گیرند.

رفقا و دوستان عزیز!

طوری که همه می دانیم دور دوم انتقال مسئولیت امنیتی از قوای ایساف به قوای مسلح افغانستان آغاز و در حال عملی شدن است و عودت قوت های بین المللی از کشور در سال 2014 تحقق می پذیرد. ولی تا جاییکه ما می دانیم در قوای مسلح کشور از یک طرف مشکل جدی کمبود کادر های نظامی متعهد، دارای تحصیلات و تجارب کافی مسلکی در سطوح مختلف قوای امنیتی محسوس است و از جانب دیگر سطح اکمال پرسونل قوای امنیتی، تسلیح و تجهیز آن با سلاح و تکنیک مدرن محاروبی بسیار پایین است و همچنان بنابر مشکل بزرگ اقتصادی تمویل مصارف گزاف قوای امنیتی برای دولت افغانستان دشوار به نظر می رسد. دولت باید برای از میان برداشتن این دشواری ها پیش بینی لازم را داشته باشد.

در عرصه ی اقتصادی:

مبارزه به خاطر تنظیم سالم امور مالی و پولی، فرصت های مناسب سریع فعالیت مؤثر همه سکتور های اقتصادی و تأمین هماهنگی میان آن ها بر طبق ویژگی های مرحله بازسازی و زمینه سازی گذار به سوی اقتصاد بازار در کشور، یکی از اهداف مرامی حزب ما است.

از آن جایی که در حال حاضر نیاز جدی به احیای زیربنای کشور است، ایجاب می کند برنامه ی بازسازی هم از همین جا آغاز شود و برای حل یک سلسله مشکلات موجود اقتصادی لازم است از یک طرف بخش اقتصاد مختلط و دولتی طوری تقویه شود که بتواند نقش مستقلانه خود را در مقطع زمانی در عرصه ی رقابت سالم با بازار ایفا کند. و از سوی دیگر با اهمیت دادن به الویت ها برنامه ی گذار علمی به بازار و رشد سکتور خصوصی اقتصاد در درازمدت تنظیم گردد. تجارب نشان داده است که گذار بدون برنامه ریزی علمی و به شکل لجام گسیخته فعلی به اقتصاد بازار و رشد نا منظم سکتور خصوصی می تواند فاجعه ی اقتصادی ایجاد نماید. که صعود سرسام آور بهای مواد اولیه مورد نیاز مردم مخصوصاً گاز مایع و مواد نفتی دیگر در بازار های سراسر کشور، در روز های اخیر یک نمونه ی کوچک آن است. اگر دولت جلو چنین انحصارگری، احتکار و خود سری های اقتصادی را به موقع آن نگیرد، برای مردم و کشور خیلی زیان بار تمام خواهد شد. به عقیده ی ما در گام نخست دولت، در برنامه ریزی احیا و بازسازی زیربنای اقتصادی کشور، اولویت ها را طوری در نظر بگیرد که با

مشخص نمودن چشمه های سرشار اقتصادی، کشور را از حالت مصرفی کشیده و در مسیر رشد تدریجی تولید قرار دهد.

طوری که همه می دانند در حال حاضر، سیاست اقتصادی دولت متکی به کمک های اقتصادی دول خارجی می باشد، دولت باید از وابستگی اقتصادی دایمی به یک دولت و یا یک ابر قدرت جداً خود داری نماید، زیرا چنین وابستگی ها در درازمدت به نفع کشور نخواهد بود.

از آن جایکه افغانستان یک کشور زراعتی و دارای اراضی زیاد هموار هست و به منابع سرشار آب دسترسی کامل دارد، بهتر خواهد بود اگر دولت در زمینه سرمایه گذاری در عرصه ی استفاده از منابع آبی توجه به خرچ بدهد زیرا از یک طرف جهت استحصال انرژی برق از آن استفاده گردیده از تورید انرژی برق از ممالک دوست که اختیار آن به دست آن هاست، بی نیاز می گردد و از جانب دیگر با ایجاد سیستم منظم آبیاری، ساحات هموار زراعتی و زمین های بکر و بایر برای محصولات زراعتی آماده می گردد.

بخش دیگر چشمه سرشار اقتصادی کشور را رشد صنایع معادن تشکیل می دهد که خوشبختانه در این اواخر دولت سرمایه گذاری روی استخراج معادن را آغاز نموده است و باید به این عرصه توجه بیشتر مبذول گردد.

در عرصه ی تامین حاکمیت قانون و اصلاح سیستم اداره:

اگر چه حاکمیت قانون و اصلاح سیستم اداره هر کدام بحث های جداگانه اند اما در عمل متمم یکدیگر میباشند. وقتی ما از اصلاحات سیستم اداره ی حکومت حرف می زنیم هدف ما از ساده سازی کارها و فایق آمدن بر بروکراسی می باشد که با تأسف در دستگاه حاکم امروز کشور حکمفرما است، ساده سازی یعنی اینکه با صرف زمان کم و انرژی کم زمینه ی انجام کار بیشتر میسر شده و از ضیاع وقت و سرگردانی مراجعین ادارات دولتی جلوگیری به عمل می آید.

اصلاح اداره باید در برگیرنده ی ارتقاء سطح کنترول و بازپرس، گزارشدهی شفاف ریشه کن ساختن رشوه ستانی، استفاده ی نا جایز از مقام و قدرت دولتی، ترویج اصل شایسته سالاری و پیروی از سیاست معقول و درست کادری باشد.

حاکمیت قانون عبارت از تطبیق عینی و یکسان قانون در تمام عرصه ها بدون تمایز در وقت و زمان آن است؛ به عقیده ی ما در پرتو حاکمیت قانون می توان عدالت اجتماعی و روابط بهتر کاری را در داخل دستگاه دولت تأمین نموده و سیستم درست مدیریت را پیاده کرد. ایجاد فضای سالم کاری را از مقامات بالا تا پایین در ادارات دولتی و همچنان ارتباط محکم ادارات و دستگاه دولت را با ملت به وجود آورد. اما بدبختانه که در دستگاه دولتی امروزه کشور، آنچه بیشتر حکمرانی می کند قانون شکنی و عدم تطبیق یکسان قانون است. همه می دانیم که اراده ی حکمفرمایان ادارات دولتی بر اصل قانون و قانونیت مسلط بوده و قانون در زیر پاشنه آهنین قدرت مندان مانند عزت و آبروی مراجعین بیچاره لگدمال است.

به عقیده ی ما تا زمانی که سطح باز پرس در کشور ارتقا نیابد، ناقضین قانون در وقت و زمان مجازات نشوند، قانونیت در کشور از بالا تا پایین تامین نگردد. کمیسیون و کمیسیون بازی های که در دولت رایج است با ایجاد ارگان های اضافی از قبیل کمیسیون اصلاحات اداری، اداره مبارزه با فساد اداری و امثال آن به جز از تورم تشکیلاتی و مصارف بی مورد بودجه دولت کدام کاری را در زمینه ی اصلاح سیستم اداره به پیش برده نمی تواند.

در عرصه ی تشکیل اردو و پولیس:

اگر چه موقف حزب ما در قبال برخی مسایل مربوط به تشکیل قوای مسلح کشور در بخش تامین امنیت مختصراً توضیح گردیده است، اما از آنجایی که تشکیل اردو و پولیس کشور در مرحله ی کنونی از جمله مسایل مبرم و حیاتی تلقی می گردد؛ لازم است موضعگیری حزب را در قبال آن روشنتر نمایم.

دوستان محترم!

افغانستان با همسایگان خیلی طماع و آزمندی مواجه است. ملت و کشور ما تجارب دردناک و تلخی از دست درازی و مداخلات آن ها در امور داخلی خود دارد؛ این مداخلات مسئله ی ایجاد یک قوای مسلح ملی نیرومند، شامل اردو و پولیس حامی منافع ملی و امنیت ملی را الزامی ساخته است.

تشکیل اردو و پولیس ملی برای کشور ما که هنوز هم از داشتن امکانات کادر های مجرب مجهز به تعلیمات عالی نظامی و مسلکی برخوردار است، امر آنقدرها مشکلی نیست و فقط با تکوین استراتژی ملی دفاعی و جلب دوباره ی آنعده افسران مجرب تحصیل کرده ی دیروز اردو و پولیس که بنا بر برخورد های متعصبانه و سلیقوی، به این و آن نام به دستور بیگانگان از صفوف اردو و پولیس ملی کشیده شده اند، این کار میسر است. در مورد اینکه سربازان اردو و پولیس دوره ی مکلفیت شان را سپری نمایند و یا داوطلب معاش بگیر باشند؟ از نظر ما انتخاب روش دوره ی مکلفیت یگانه راه حل اکمال سربازان اردو و پولیس است؛ ما در مورد اکمال صفوف سربازان اردو و پولیس، به مراتب ایجاد قانون مکلفیت عسکری را پیشنهاد نموده ایم. زیرا این یک روش پذیرفته شده و تجربه شده در مطابقت به قانون اساسی کشور است. اما نسخه ی که جامعه ی جهانی برای تشکیل اردو و پولیس افغانستان به قسم لشکر بدون احساس وطنی داده است، در اوضاع و احوال اقتصادی کنونی کشور کاملاً ناکارآمد و مطابق به اوضاع سیاسی و نظامی منطقه نمی باشد. تقویه ی صفوف اردو نباید بر بنیاد سهمیه ی تنظیمی و اکمال صفوف پولیس ملی بر اساس ایجاد پولیس محلی و احیای اربکی های سابق باشد؛ زیرا با بکار بردن این شیوه، ما نه تنها احساس وطن دوستی و مسؤلیت پذیری را در اردو و پولیس کشور خفه نموده ایم، بلکه شعار "اردو حافظ استقلال و تمامیت ارضی" و "پولیس خدمتگار جامعه" را نیز نابود کرده ایم.

در عرصه ی مبارزه با مواد مخدر:

تولید مواد مخدر در کشور، بر علاوه ی اینکه یک تعداد زیاد جوانان و سالمندان کشور به آن مبتلا گردیده، پرستیژ و اعتبار کشور ما را در عرصه ی بین المللی پایین آورده است. کشت، استعمال و

ترافیک مواد مخدر مانع بزرگی در تأمین امنیت سراسری در کشور است. عواید قاچاق مواد مخدر که سالانه به ده ها میلیارد دالر بالغ می گردد از جانبی بازگویی این واقعیت است که حجم تولید و اثرات منفی آن بر جامعه ما چقدر بزرگ است و ثانیاً نسبت ضعف دولت در مناطق که کشت و تولید آن به پیمانهای بزرگی رایج است، مخالفان دولت از این ضعف چقدر استفاده می کنند!

در عرصه ی سیاست خارجی:

طرح و تطبیق سیاست خارجی حزب ما برای کشور، حفظ منافع ملی در قبال قضایای بین المللی و تحکیم روابط دو جانبه با کشور های منطقه و جهان می باشد. سیاست خارجی حزب ما را حفظ منافع ملی کشور، داشتن قضاوت ازاد در قبال قضایای بین المللی، حمایت از اعلامیه ی جهانی حقوق بشر، منشور سازمان ملل متحد، میثاق ها و کنوانسیون های بین المللی که افغانستان به آن متعهد است احتوا می نماید. ما پیوستن به پیمان های نظامی- سیاسی دایمی و درازمدت را به سود منافع ملی افغانستان نمی دانیم. اما در حال حاضر با در نظر داشت اوضاع کشور و منطقه اتخاذ تصمیم در چنین موارد به اراده ی مردم تعلق می گیرد که ممثل آن پارلمان دو مجلسه ی کشور است. جرگه های به اصطلاح عنعنوی همانند، جرگه ی عنعنوی که به تاریخ 1390/09/25 در مخالفت با قانون اساسی در کشور تدویر یافته بود صلاحیت اتخاذ تصمیم را در چنین موارد نداشته و هرگونه تصمیم شان از مزایای قانونی برخوردار نخواهد بود.

ما در حالیکه در رابطه به تمام مسایل جهانی حفظ منافع ملی کشور خود را ترجیح می دهیم، همکاری های منطقی و بین المللی و حسن همجواری را نیز فراموش نمی نمایم.

از آن جایی که توافقات استراتژیکی بین افغانستان و ایالات متحده ی آمریکا در حاله ی از ابهامات است و جزیات آن تا اکنون به صورت کامل افشا نگردیده است در باره ی آن اظهار نظر کردن قبل از وقت است. ولی ما در هر حالت از منافع ملی کشور خود به صورت قطع عدول نخواهیم ورزید.

در مورد حضور نیروهای خارجی در کشور:

طوری که به همه معلوم است عودت نیروه های نظامی خارجی تا سال 2014 تکمیل می گردد، اما آنچه مسلم است این است که امروز امنیت کشور ما نسبت به هر وقت دیگر به چالشهای بزرگی مواجه است. اردو و پولیس ملی، با وجود اینکه هم دولت افغانستان و هم جامعه ی جهانی از توانمندی نیرو های امنیتی کشور ما سخن می زنند، از احضارات محاربوی، سطح توانمندی دفاع مستقلانه در برابر دهشت افگنان و تروریستان برخوردار نبوده، ایجاب بلند بردن توانمندی نیروهای ملی امنیت را می نماید.

حاضرین گرانقدر!

فیصله های کنفرانس بن دوم برای افغانستان فرصت نسبتاً مساعد دیگری را جهت نیل به آرمان های تامین صلح و ثبات، پیشرفت و ترقی و دموکراتیزه ساختن حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور مساعد ساخته است، اما متأسفانه از یک طرف دولت جمهوری اسلامی افغانستان در هیچ یک ابعاد - سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برنامه ی روشن و شفاف نداشته و تیم کنونی دولت فاقد ظرفیت لازمه برای تطبیق فیصله های بن دوم است و از جانب دیگر آنقدر در گرداب فساد غرق است که اعتبارش را در نزد ملت بکلی از دست داده است.

در چنین اوضاع ایجاب می نماید جامعه ی جهانی قبل از همه در ریشه کن ساختن فساد گسترده ی دستگاه دولت و ایجاد یک اداره ی سالم متکی به قانون در افغانستان توجه جدی مبذول دارد.

ما برای جامعه ی جهانی و دولت افغانستان اعلام می داریم که یگانه راه مبارزه با فساد و ریشه کن ساختن آن مساعد نمودن زمینه ی مشارکت نیروهای متعهد ملی، احزاب سیاسی، نهاد های مدنی و سازمان های اجتماعی و همچنان تعمیم اصل شایسته سالاری در انتخاب کادر های دولتی می باشد، نه تقسیم چوکی های دولتی به اساس تنظیمی و سر قفلی ها.

اشتراک کننده گان عالیقدر!

ما معتقد هستیم که هیچ نیروی سیاسی به تنهایی نمی تواند کشور را از این وضعیت اسفناک و بحرانی نجات بدهد. امروز روز آن فرارسیده است که برای حفظ مصالح ملی احزاب سیاسی، سازمان های اجتماعی و نهاد های مدنی، اختلافات سیاسی و سلیقوی شان را کنار گذاشته گرد هم آیند و به اتفاق هم برای حفظ منافع ملی با هم همکاری نمایند.

حزب واحد با درک همین ضرورت دست دوستی، صفا و صمیمیت را برای همه ی افغانهای وطن دوست و سازمان های که به منظور دفاع از حاکمیت ملی، منافع ملی، وحدت ملی، تامین عدالت اجتماعی، تعمیق دموکراسی واقعی و ترقی افغانستان واحد و غیر قابل تجزیه مبارزه می نماید، دراز نموده و آماده است که با داشتن وجوهات مشترک، در ریفورم نهاد های سیاسی از ائتلاف تا وحدت سازمانی تفاهم و توافق نماید. هیچ گونه مرزبندی های فکری و اندیشه وی دیروز، یعنی دوست دیروز و دشمن دیروز نمی تواند ما را از سایر نیروهای ملی، مترقی و دموکرات کشور، در دفاع از منافع عالیای کشور مجزا سازد. در شرایط به وجود آمدی امروز و سطح مطالبات جامعه در اتخاذ تصامیم و تدابیر جهت رسیدن به اهداف استیراتیژیک حزب ما برای ما با اهمیت تر می باشد.

دوستان گرامی- اعضای حزب واحد!

از نظر ما کنگره ی حاضر از چند مشخصه ی برجسته برخوردار است که در واقعیت جایگاه آن را تعیین و برجسته می نماید:

اول اینکه کنگره به مثابه ی بستر با اهمیت تفاهم گام استواری است در راه رفع پراگندگی نیروهای ملی ترقی خواه که به نیاز واقعیت عصر و زمان مبدل شده است.

دوم اینکه کنگره با تصویب برنامه و اساسنامه پذیرفته شده در واقع راه را برای نوسازی فکری و پراتیک آینده ی حزب هموار می سازد.

کنگره طرح یک برنامه ی جدید را مورد ارزیابی قرار خواهد داد که در آن دید تازه ی در روشنایی تجارب دهه ی گذشته ارایه شده است. در این برنامه بررسی واقعینانه از اوضاع کشور صورت گرفته که با اوضاع و احوال کنونی کشور، سنن پر افتخار و عنعنات پسندیده مردم، اوضاع شکل گرفته اجتماعی، سیاسی اقتصادی کشور مطابقت دارد. همچنان یک دید واقعینانه نسبت به گذشته ارایه شده و سعی به عمل آمده تا راه برای تفاهم میان جزایر جدا شده از حزب وطن (حزب دموکراتیک خلق) و دیگر حلقات روشنفکری در داخل و خارج کشور هموار گردد و زمینه راه اندازی یک جریان بزرگ ملی فراهم شود.

سوم اینکه مدرنیزه کردن حزب، که در این مورد نکات ذیل قابل دقت است

- ایجاد سیستم ریکورد برای کارمندان، مسئولین و اعضای حرفوی حزب
- ایجاد سیستم بررسی و نظارت سالانه ی مسئولین حزبی از سازمان های محل زیست
- مشخص ساختن معیار های کاندیداتوری
- ایجاد سیستم تشویق و ترغیب در انجام وظایف سپرده شده

رفیقای محترم!

ما باید سازمانی را بنیان گذار شویم که معتقد به وحدت، پلورالیزم، خرد نقاد و روشنگری باشد. آزادی و استقلالیت فردی را ارج گذاشته و کار جمعی را رونق سیستماتیک بخشیده باشد. سازمانی که حسابدگی شفاف مقامات مافوق به اعضای حزب در سرلوحه ی وظایف مسئولین آن قرار داشته و اعضای سازمان ها حق چنین مطالبه را داشته باشند. سازمانی که نیرو، خرد و توان جمعی خود را روی خط اعتماد، پرسش، خلاقیت، نوآوری، شفافیت سازنده متمرکز و فعال نگهدارد و در یک کلام ما به مثابه ی یک اجماع روشنفکری باید بیانگر روح زمانه و روان جمعی شویم. ما وظیفه و رسالت داریم تا عقلانیت روشنفکری را به جریان و جنبش پویانده، فعال و دوامدار تبدیل کنیم.

یک بار دیگر از اشتراک شما در کنگره ی امروز و اینکه با حوصله مندی با ما بودید اظهار شکران می نمایم.

پاینده باد افغانستان

سرلوری دی وی دافغان اولس